



موزه هنرهای معاصر تهران در جرگه موزه‌های برتر دنیا از نقطه نظر گنجینه آثار مدرن غربی و البته ایرانی است که به مثابه قطب فرهنگی-هنری جهان نه‌تنها به میراث فرهنگی ایران بلکه به میراث فرهنگی بشری تعلق دارد و به همین دلیل همواره مورد توجه جهان بوده و هر اتفاق هنری و غیرهنری مرتبط به آن همواره نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند. البته این موزه فقط یکی از مراکز مهم هنری- فرهنگی ایران است.

میراث فرهنگی ایران زمین با قدمت هفت‌هزارساله آن قدر زیاد است که جهان در برابر آن زانو می‌زند. این روزها موزه به دلیل مرمت تعطیل است. منتها طولانی‌شدن روند تعمیرات آن پرسش‌های زیادی را به ذهن مخاطبان متبادر کرده است. به همین بهانه سراغ احسان آقایی، رئیس موزه هنرهای معاصر تهران رفتیم تا سؤالاتمان را درباره جزئیات مسائل موزه با او در میان بگذاریم که حاصل آن پیش‌روی شماس‌ت.

۴ موزه هنرهای معاصر تهران همچنان تعطیل است. اما جالب این است که در دفتر شما کارهای «دیوید هاکنی» روی دیوار توجهات را جلب می‌کند. حالا چرا هاکنی؟

موزه برای مرمت حدود دو سال تعطیل شده است. این اتاق، دفتر رئیس موزه هنرهای معاصر تهران است و معمولا کارهای گوناگونی به انتخاب خودم در اینجا نصب می‌شوند. «هاکنی» هم در زمره بزرگ‌ترین هنرمندان معاصر و به باور من آخرین بازمانده از نسل طلایی هنرمندان مدرنیست است. البته در این اتاق همان‌گونه که می‌بینید روی دو دیوار دیگر آثار هنرمندان ایرانی «علیرضا اسپهد» و «محمد احسانی» قرار دارند. این موزه، هنر مدرن و معاصر ایران و جهان را نمایندگی می‌کند و طبیعی است که در اتاق رئیس موزه نمونه آثار این هنرمندان نصب شده باشد. درباره اثر «هاکنی» می‌توانم بگویم این اثر متشکل از شش قطعه است و «مجموعه هالیوود» نام دارد. حتما می‌دانید «پاپ‌آرت» در انگلستان شکل می‌گیرد و در آمریکا قوام پیدا می‌کند. در دهه ۷۰ قرن بیستم که هاکنی به لس‌آنجلس می‌رود، هنرهای در کنار یک کارگاه قالب‌سازی اجاره می‌کند و روزانه که از برابر آن گذر می‌کرده چشمش آثاری را می‌بیند که قاب‌های گوناگون و احتمالا از نگاه او متکلف و شاید تا حدودی فانتزی داشته‌اند که انگیزه تولید این مجموعه قرار می‌گیرند. در هر یک از قطعات این اثر، بازنمایی قاب‌ها را با برداشتی متفاوت مشاهده می‌کنید. جدای از این، من به رسانه (مدیوم) چاپ هم علاقه دارم و برابیم جذابیت دارد. این کارها هم با تکنیک لیتوگرافی چاپ شده‌اند.

۴ این روزها نگرانی بین مردم و جامعه هنری وجود دارد که چرا مرمت موزه هنرهای معاصر تهران این قدر طول کشیده است. واقعا چرا؟

این مرسوم است که کاهی موزه برای مرمت چند سال تعطیل می‌شوند. این هم اولین‌بار نیست که موزه‌ای تعطیل می‌شود. مثلا «نشنال گالری برلین» به مدت پنج سال برای مرمت تعطیل شد و در سال ۲۰۲۱ بازگشایی می‌شود؛ حتی موزه هنرهای مدرن در آمریکا هم مدتی برای مرمت تعطیل شد. اتفاقی که در مورد موزه هنرهای معاصر تهران رخ داد،م، شاید اعلام تاریخ‌های بازگشایی موزه بوده که متأسفانه به دلیل برخی مسائل در زمان معهود امکان آن حاصل نشده است و بالطبع ایجاد نگرانی کرده که این نگرانی البته بحق و پذیرفتنی است.

۴ البته این موضوع به زمان مدیریت آقای ملانوروزی مربوط می‌شود. چون در سال ۱۳۹۶ اعلام کردند که مرمت قریب یک‌سال بیشتر زمان نمی‌برد!

تا آنجا که به یاد دارم ایشان اعلام کرده بودند که مرمت موزه شش ماه طول می‌کشد و احتمالا برنامه و زمان مرمت را طبق نظر دفتر طرح‌های عمرانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسل‌سای اعلام کرده‌اند. البته به نظر می‌رسد تخمین اولیه مرمت نادرست بوده است. وقتی می‌خواهید منزل شخصی‌تان را مرمت اساسی کنید دو- سه ماه طول می‌کشند. حال چگونه امکان‌پذیر خواهد بود موزه‌ای به این ابعاد ظرف شش ماه مرمت شود؟! درحالی‌که وقتی می‌خواهیم بخش گنجینه را جابه‌جا و فضایی آن را مرمت کنیم، ما به توجه به حساسیت و اهمیت آثار، حدود سه ماه زمان جابه‌جایی است. ایراد را از آقای ملانوروزی نمی‌دانم. با این حال، نگرانی‌هایی که وجود دارد بحق است چون طبق اعلام قبلی در بازگشایی موزه بدهدیی صورت گرفته است!

۴ ضمنا آن زمان مسئله تحريم‌ها مطرح نبود وبالطبع بالارفتن قيمت دلار روی تمام جزئیات زندگی ما تأثیر گذاشته است! اما بحث را کمی عقب‌تر می‌برم. در دوره‌ای مدیر وقت موزه و معاونت هنری، بحث نمایشگاه و امانت‌سپاری تعدادی از تابلوهای مهم موزه را مطرح کرده بودند و متأسفانه این اتفاق در حفا پیش رفت! وقتی همه قرار شد آثار تحت عنوان «مسافران برلین ورم» به نمایش درآیند، التهایی جامعه هنری را فراگرفت و حتی منجر به برپایی تحصنی مقابل موزه شد. نمایندگان صنوف مختلف مقابل موزه هنرهای معاصر تهران جمع شدند و خواستار شفاف‌سازی شدند. از آن زمان به بعد همچنان اماواگرهایی درباره وضعیت گنجینه موزه هنرهای معاصر وجود دارد. حالا این اتفاق را در کنار مرمت بگذارید. طبیعتا هر انسان عاقلی با علامت سؤال بزرگی مواجه می‌شود! بیايید بحث را به اینجا بکشانیم که درست است شما میراث‌دار مدیریت آن زمان شده‌اید. اما ظاهرا چه خوب یا بد وقتی مدیری جایگزین می‌شود با گنگ‌ها یا ثواب مدیران قبلی را به دوش می‌کشد. با این نگاه آثار موزه در چه شرایطی هستند؟ سرنوشت امانت‌سپاری چه شد؟

عموما امانت‌سپاری آثار یک اتفاق مرسوم و معمول

دیگر را هم باید از آقای ملانوروزی پرسید. شاید ملاحظاتی داشتند، چون من بی‌خبر هستم. اما به نظر من عدم اعلام فهرست آثار در یک بازه زمانی که طولانی‌مدت هم شد، احتمالا برای جامعه هنری سؤال‌برانگیز بود!

۴ تا آخر هم اعلام نشد!

تا اینکه نمایشگاه «مسافران برلین رم» را در موزه برپا کردند و مشخص شد کدام کارها است. شاید اگر زودتر اعلام می‌کردند و منتقدان زودتر متوجه می‌شدند،

حساسیت‌های ایجادشده برطرف می‌شد.

۴ الان همه آثار در گنجینه موجود است؟

من مسئولیت گنجینه را به جای همه مدیران موزه تا امروز بر عهده می‌گیرم. **۴ یعنی چه؟** یعنی اثری نیست که از گنجینه موزه خارج شده و برگشته باشد، همه کارها طبق اسناد در گنجینه موجود است. به استثنای یک اثر «دکونینگ» با نام «تابلوی زن شماره ۳» که با «شاهنامه شاه طهماسب» تعویض شد. قبل از انقلاب «موزه هنر واشنگتن» از ایران درخواست کرد که این کار را برای نمایش امانت بدهند و زمانی که نمایشگاه برقرار نبود در ایران

انقلاب می‌شود. پس از این واقعه تعدادی دلال با موزه مکاتبه می‌کنند که حاضر هستیم این اثر را بخریم یا با کار دیگری معاوضه کنیم. موزه چندین مرتبه پاسخ داده که آثارش قابل فروش و معاوضه نیست و باید برگردد. در مکاتبات دکتر «شفیعی‌منفرد» که اولین رئیس موزه بعد از انقلاب است، تصریح شده که این کار باید به ایران برگردد. ولی یک‌سری از کسانی که شاید دیگرگون فکر می‌کردند

به مدیران پیام دادند که این کار در زمره کارهای به اصطلاح برهنه است و با ارزش‌های حاکم بر انقلاب اسلامی همسو نیست و بهتر است معاوضه شود. در نهایت در شرایطی پیچیده این اتفاق می‌افتد. یکی از اعضای تیم معاوضه‌کننده این دو اثر، دکتر حجت هستند که شاید بتوانند توضیحات بهتری بدهند.

۴ درواقع به نوعی ناچار می‌شوند این تعویض را صورت دهند؟

فکر می‌کردند این یک معامله است که ما در آن برنده هستیم. البته من هم معتقدم ایران حداقل به لحاظ مالی برنده است. یعنی ارزش آن کار امروز باید ۱۴۰ تا ۱۶۰ میلیون دلار باشد. اما یک برگ شاهنامه طهماسبی در سال ۲۰۱۱ در حراج «ساتییز» به مبلغ ۷،۴ میلیون پوند فروش رفت. ما هم الان ۱۱۸ برگ از شاهنامه داریم؛ بنابراین به لحاظ مالی برای ایران منفعت هم داشته است؛ اما چقدر خوب بود آن کار می‌ماند و این کار را هم می‌خردیدند. شاهنامه آن زمان حدود ۲۸ میلیون دلار قیمت‌گذاری شده بود و گفته می‌شود حدود ۲۰ میلیون دلار ارزش داشته است. به‌همین‌دلیل برخی معتقدند ایران متضرر شده است. به جز آن مورد، هیچ کاری از موزه خارج نشده است. البته کارهایی داریم که بعد از انقلاب به ایران تحویل داده نشده و هنوز هم پیگیر هستیم.

۴ مثلا چه کارهایی؟

در یک پیگیری حقوقی تقریبا هشت‌ساله، دوره قبل دو طرح معماری از «مایکل گریوز Michael Graves» و «رابرت استرن Robert A. M. Stern» به موزه برگردانده شد. این کارها قبل از انقلاب به موزه فروخته شده و موزه پول آنها را هم پرداخت کرده بود؛ ولی پس از انقلاب بعضی‌ها اثر را تحویل ندادند! در پیگیری حقوقی چندساله از طرف دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد

گفت‌وگو با احسان آقایی، رئیس موزه هنرهای معاصر تهران

اثری نیست که از گنجینه موزه خارج شده و برنگشته باشد



عکس سهند تاکلی، شرق

دست روی چه بخش‌هایی گذاشته‌اید؟ با توجه به اینکه درگیر تحریم هستیم و به‌لحاظ مالی دچار مشکلات، چشم‌انداز نهایی‌تان برای ترمیم موزه چیست؟

وقتی من به موزه آمدم تقریبا ۹ ماه از آغاز عملیات عمرانی مرمت موزه گذشته بود. اردیبهشت ۹۷ بعد از پایان «نمایشگاه علی‌اکبر صادقی» موزه برای مرمت تعطیل شد. مرمت هم از گالری‌ها و تاسیسات کالری‌ها شروع شده بود.

۴ یکی از مشکلات موزه «گالری هفت» بود که ظاهرا آب به آن نفوذ کرده بود!

بله. طبیعی است که بعد از ۴۰ سال هر بنایی نیاز به مرمت‌ دارد و حتی باید زودتر این اتفاق می‌افتاد. سستگن‌های بام‌ها و حیاط مرکزی تا بتون برداشته شد و بار سنگینی که در چند سال برای جلوگیری از نفوذ آب اضافه شده بود، حذف شد. مجدد با فوم بتون پوشانده، ایرواکم و سپس فرش شد. کار دیگر این بود که تمام لوله‌های رفت و برگشت هواسازها که در داخل گالری‌ها بود، تعویض شد، چون پوسیده بود و به مرمت نیاز داشت. دیگر اینکه کانال‌های هواسازها در گذر زمان دچار مشکل شده بودند و تعویض شدند. از اقدامات دیگر تعویض پنجره‌ها با متریال «یوپی.وی.سی» بود که قبلا آهنی بودند و در بسیاری از بخش‌ها نفوذ حرارت، رطوبت با برودت داشت که باعث می‌شد گالری‌ها در زمستان خیلی سرد و در تابستان خیلی گرم شوند. شیشه‌ها هم نیز دوجداره شدند.

۴ بالاخره سیستم تهویه موزه درست شد؟

سیستم تهویه چند بخش دارد؛ یک بخش موتورخانه مرکزی است، یک بخش هوارسان‌ها و بخش دیگر تجهیزات داخل گالری‌ها که این بخش کلا نوسازی شد. هوارسان‌ها و موتورخانه مرمت شدند و تعویض. این‌طور برنامه‌ریزی شده بود که با هزینه‌ای که در نظر گرفته‌اند، مرمت موزه تمام نمی‌شود؛ بنابراین تصمیم بر این شد که مرمت را طوری جلو ببرند که بخش‌های داخلی تمام شود و دیگر مجبور نباشیم موزه را تعطیل کنیم. هواسازها که بیرون از ساختمان است، بدون تعطیلی موزه هم تعمیرشدنی هستند. بخش دوم مربوط به گنجینه است که خود شامل دو بخش است؛ یکی بخش هواساز گنجینه است. جالب است بدانید ساختمان موزه با وجود اینکه در گذر زمان همواره تحسین شده که البته بحق هم بوده، ولی ایرادهایی هم دارد. ما می‌دانیم دمای مناسب برای نگهداری آثار بین ۱۸ تا ۲۲ درجه است؛ این در صورتی که هواساز موزه یکپارچه است؛ بنابراین اگر دمای هوا را کم کنیم، کارمندان سردشان می‌شود. اگر دما را روی ۲۴ یا ۲۵ درجه ببریم برای آثار خوب نیست! بنابراین لازم بود هواساز گنجینه از بقیه مجموعه جدا شود. هواساز جدیدی برای گنجینه خریده شده تا از دمای مناسب برای نگهداری برخوردار باشیم. کار دیگر تغییر «ریلیتیک» نصب آثار است که بعد از سال‌ها فرسوده شده و آسیب جدی دیده بودند. در قدیم از کلاف‌های آهنی استفاده کرده بودند که موجب وزن سنگین آنها شده بود. این ریل‌ها بعد از بالا معلق بودند و وقتی کار رویشان قرار می‌گرفت، بسیار سنگین می‌شد. بعضی از ریل‌ها در اثر مرور زمان آسیب دیده بود و وقتی ریل‌ها می‌کرد، باعث می‌شد کارها رویشان بلرزد. در دوره جدید کلا سیستم ریل‌بندی تغییر می‌کند و با متریال سبک‌تر کار می‌شود. با این تفاوت که ریل‌های جدید زیرشان هم چرخ دارند؛ یعنی هم از بالا مهار می‌شوند و هم از پایین چرخ دارند. همچنین حدود ۳۰۰ متر به فضای گنجینه اضافه می‌شود. قبلا دو فضای گنجینه داشتیم و الان سه فضا. بعد از انقلاب خرید آثار ایرانی به‌قدری زیاد شده که فراتر از فضای تحمل گنجینه است. حتی در دوره‌ای تصمیم می‌گیرند به‌دلیل فقر فضای مناسب، تعدادی از آثار را به مرکز هنرهای تجسمی منتقل کنند! در دوره جدید گنجینه مثل خیلی از موزه‌های دنیا بوده و در فضایی نزدیک‌تر به گنجینه قرار می‌گیرند که اگر قرار شد کار را عکاسی با مرمت کنند، خیلی از فضای گنجینه دور نشوند.

مورد دیگر فضای مرمت است که از ابتدای شکل‌گیری موزه فاقد فضای تخصصی مرمت بوده؛ هرچند البته مرمت‌کار داشته ولی در همان فضای خدمات نمایشگاهی فعالیت می‌کرده است که به لحاظ استاندارد درست نیست.

۴ فقط زنده‌اید «فرزین بنگدار» بود که جای بخصوصی هم برای کار نداشت!

بله. از ابتدای شکل‌گیری موزه آقای بنگدار هم بوده و در خدمات نمایشگاهی مرمت می‌کرده و می‌دانید که مواد مرمت خواص و بوهای عجیبی دارد و باید فضایی باشد که حتما در آن آگزوفش و تهویه قوی داشته باشد که هوا را مستمر تصفیه کند و دیگر اینکه افراد غیرمرتبط رفت‌وآمد نداشته باشند. واحد مرمت یکی از حفاظت‌شده‌ترین فضا‌های موزه است که فقط مرمت‌کار می‌تواند وارد آن فضا شود. این دوره «واحد مرمت» را هم راندا‌ناری می‌کنیم. تلاش بر این است که تا پایان سال ۹۸ عملیات عمرانی تمام شود.

ادامه در صفحه ۱۳

اغلب آثار خریداری‌شده از طرف دفتر مخصوص بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۶ خریداری شده و پس از گشایش موزه طبق صورت‌جلسات رسمی به موزه تحویل داده شده است. ساخت موزه شش سال طول کشید. البته در دوره تاریخی ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۷ اروپا با بحران مالی عجیبی مواجه شد و بسیاری از شاهکارهای هنری را در معرض فروش قرار داده بودند. دقیقا دوره‌ای که ایران به دلیل اقتصاد نفتی و بالارفتن قیمت نفت وضعیت مالی‌اش خوب بود و توان خرید این آثار را داشت. الان هم کشورهای عربی منطقه که موزه راه‌اندازی کرده‌اند، حاضر هستند پول بدهند؛ اما این کارها برای فروش موجود نیست! درواقع ایران در آن دوره با یک خوش‌شانسی تاریخی مواجه شده بود. گویی ابر و باد و مه و خورشید و فلک دست به دست هم داده بودند تا این آثار فاخر برای موزه خریداری شود. جالب است بدانید تقریبا در همان دوره تاریخی است که همت جهانی شکل می‌گیرد تا از زیرآب‌رفتن شهر تاریخی ونیز جلوگیری کنند و ظاهرا ایران هم کمک خوبی کرده است.

۴ این کمک‌ها چه دستاوردی برای ایران داشته؟

بحث حفظ میراث تاریخی بشر است. ایران هم کمک کرده که یک میراث تاریخی بشر حفظ شود. به‌هرحال برخی از آثاری که خریده‌اند، با نام «دفتر مخصوص» است که طبق فعالیت‌ها و برنامه‌های آن دوران اقدامات عام‌المنفعه نیز داشته است. اسناد هم به نام این دفتر موجود است. درواقع آن اسناد به اسم موزه نیست؛ ولی همان‌گونه که گفتم، به صورت رسمی و قانونی به موزه تحویل داده شده‌اند.

بنابراین کارهایی را موزه خریده و کارهایی نیز توسط دفتر مخصوص خریداری شده‌است. تکلیف بخش موزه که مشخص است، چون سندها به نام موزه صادر شده و بیشتر آثار مربوط به دوران اکسپرسیونیسم انتزاعی و بعد از آن است؛ خریدهای دفتر مخصوص گونه‌گون است و طیف وسیعی از امپرسیونیسم تا پاپ‌آرت را دربر می‌گیرد. درباره اینکه آیا کشورهای خارجی می‌توانند ادعا کنند این کار متعلق به این افراد است یا خودشان چنین ادعایی دارند، من بی‌جرم، ولی تابه‌حال نشنیده‌ام کسانی که این آثار را خریده‌اند، چنین ادعایی را مطرح کرده باشند که آثار متعلق به شخصی خودشان است؛ اما وقتی اثر یا کالایی توسط نهادها و موسساتی که از پول دولت برخوردارند، خریداری می‌شود، متعلق به دولت است؛ مثل اینکه من خریدهایی انجام دهم اما بعد از رفتنم بگویند مال فلانی است. درصورتی‌که این یک روند سازمانی است. بعید هم نیست که اگر آثار از ایران خارج شود، ادعایی درموردشان شود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به‌دراحتی زیرش می‌زنند ممکن است کسی هم شکایت کند و دادگاهی سیاسی برای پرداخت غرامت و خسارت تشکیل شود. اما عموما روند امانت‌سپاری به این صورت است که وقتی موزه یا نهادی درخواست می‌کرد، درخواست و تأییدیه سفارت تهران را اخذ می‌کردیم. زمانی که سفارت تأییدیه می‌دهد، مجددا تأییدیه دولت آن کشور را می‌خواهیم که اثر هنری شامل تحریم‌ها و ضبط‌های حقوقی و غرامت‌ها نمی‌شود و باید برگردد. یعنی نهایت راهکار قانونی، تعهد دولت آن کشور است. در زمان تاقه‌ام‌نامه «نمایشگاه برلین» نیز نامه آقای اشتاین‌مایر به آقای ایران خارج بود، ادعایی درموردشان نبود، چون وقتی قراردادای مثل «برجام» را به